

ORIGINAL ARTICLE

Rules and Effects of G.. Citizenship of Mother to Child in Iranian, British and French Laws

Hengemeh Ghazanfari¹, Mansour Shahbazian²

1. Assistant Professor of Private Law, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.

2. PhD Student of Private Law, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Khorramabad, Iran.

Correspondence:

Hengameh Ghazanfari

Email:

Hengameh.Ghazanfari@iau.ac.ir

Received: 19/Dec/2023

Accepted: 11/Nov/2024

How to cite:

Ghazanfari, H.; Shahbazian, M. (2024). Rules and Effects of Granting Citizenship of Mother to Child in Iranian, British and French Laws, Civil Law Knowledge, 13 (2), 93-104. (DOI: [10.30473/clk.2024.70019.3225](https://doi.org/10.30473/clk.2024.70019.3225))

ABSTRACT

In granting the citizenship of a mother to a different child, according to the legal bases and conditions of the laws, it has established the rules. Which is usually different. In European countries such as France and England, the blood system was dominant in the beginning, and only children who had French or English fathers can have the citizenship of this country. But now, with the amendment of the laws of this country, in granting the citizenship of the mother to the child, rights equal to the rights of the father are considered, and the citizenship of the mother has an influential effect on the citizenship. Iran's relevant laws consider the granting of citizenship through marriage as exclusive to Iranian men, and if men of foreign citizenship marry Iranian women, they will not be subject to this right. The law recognized the conditions of this right for women. Despite the efforts made and the approved laws, the legal loopholes and challenges and problems in this regard have not ended and the father's citizenship is still preferred over the mother's citizenship. And there is no equality in this field. In the present study, the criteria and effects of granting citizenship to mother to child in the laws of Iran, England, and France have been investigated with the analytical-descriptive method, and various issues are tried to be considered with comparative studies.

KEYWORDS

Mother's Citizenship, Child's Citizenship, Granting Citizenship, Blood System.



«مقاله پژوهشی»

ضوابط و آثار اعطای تابعیت مادر به فرزند در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه

هنگامه غضنفری^۱، منصور شهبازیان^۲

۱. استادیار رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران.
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم‌آباد، خرم‌آباد، ایران.

نویسنده مسئول:

هنگامه غضنفری

رایانامه: Hengameh.Ghazanfari@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱

چکیده

در اعطای تابعیت مادر به فرزند کشورهای مختلف با توجه به مبانی حقوقی و شرایط حاکم، قوانینی را وضع کرده که معمولاً با هم متفاوت بوده است. در کشورهای اروپایی مانند فرانسه و انگلیس در ابتدا سیستم خون حاکم بود و تنها فرزندی می‌توانستند تابعیت این کشورها را داشته باشند که از پدر فرانسوی و یا انگلیسی بودند، اما در حال حاضر با اصلاح قوانین این کشورها، در اعطای تابعیت مادر به فرزند، حقوقی مساوی با حقوق پدر در نظر گرفته شده و تابعیت مادر همانند تابعیت پدر تأثیرگذار است. در قوانین ایران نیز به این مسئله در قانون اساسی و در قوانین عادی اشاره شده، قوانین موضوعه ایران اعطای تابعیت از طریق ازدواج را مختص مردان ایرانی دانسته و در صورتی که مردان تبعه کشورهای خارجی با زنان ایرانی ازدواج کنند، مشمول این حق نخواهند شد که با اصلاح قانون تحت شرایطی این حق را برای زنان به رسمیت شناخت. با وجود تلاش‌های صورت گرفته و قوانین تصویب شده، خلأهای قانونی و چالش‌ها و مشکلات در این خصوص، پایان نیافته و همچنان تابعیت پدر بر تابعیت مادر ارجحیت داشته و در این زمینه تساوی وجود ندارد. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی ضوابط و آثار اعطای تابعیت مادر به فرزند در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه پرداخته شده و تلاش می‌شود با رویکردی تطبیقی، جوانب مختلف موضوع در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی

تابعیت مادر، تابعیت فرزند، اعطای تابعیت، سیستم خون.

استناد به این مقاله:

غضنفری، هنگامه؛ شهبازیان، منصور (۱۴۰۳). ضوابط و آثار اعطای تابعیت مادر به فرزند در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۲)، ۹۳-۱۰۴.

(DOI:10.30473/clk.2024.70019.3225)

مقدمه

تابعیت زنجیره اصلی ارتباط یک فرد با دولت است، چون فرد جایگاه اصیل در حقوق بین‌الملل ندارد، دولت ابزار فراهم ساختن این جایگاه است. در تاریخ نظام‌های حقوقی پدر نقش اساسی و تقریباً انحصاری در انتقال تابعیت به فرزندان داشته است و نقش مادر در این ارتباط یا به طور کلی نادیده گرفته شده و یا آنکه نقشی به مراتب کمرنگ‌تر به آن داده شده است، اما به تدریج این نگرش تغییر یافته و به ویژه در دهه‌های اخیر، قانونگذار در بسیاری از کشورها به مادران نقش تقریباً برابر با پدران در اعطای تابعیت دولت متبوع‌شان به فرزندان داده‌اند. از جمله این کشورها، انگلیس و فرانسه است. در ابتدای تاریخ تابعیت مادر بر فرزند در حقوق انگلستان، اصل بر تابعیت پدر بود، اما در پی اصل عدم تبعیض جنسیتی و وجود مشکلاتی دیگر، قانونگذار انگلیس به اصلاح قوانین هم‌سو با جوامع اروپایی اقدام کرد. قانون ۱۹۸۱ تابعیت انگلستان در بند ۱ ماده ۴۴ ضمن تأکید بر رعایت تساوی جنسیتی، هر گونه تبعیض نژادی، قومی و ... را نیز مردود اعلام کرده است. در قانون فوق‌الذکر که تبعیض موجود از زنان رفع و امکان انتقال تابعیت زنان به فرزندان آنها فراهم شده، به صراحت بر برابری پدر و مادر در انتقال تابعیت از والدین به فرزندان تأکید شده است. در ماده ۲ قانون فوق به صراحت تساوی در تأثیر تابعیت والدین بر فرزندان مقرر شده است.

در قانون فرانسه نیز شرایطی مشابه حاکم است. قانون ۱۸۰۴ فرانسه در ابتدا انتقال تابعیت را فقط مخصوص پدر می‌دانست، اما این قاعده فقط تا سال ۱۹۲۷ در قانون فرانسه وجود داشت. بعد از جنگ جهانی اول، به خاطر ازدواج زنان فرانسوی با مردان خارجی، قانونگذار فرانسه با مشکلات عدیده‌ای مواجه شد و در صدد اصلاح آن برآمد. در سال ۱۹۲۷ قانونگذار فرانسوی اصل خون و خاک را با هم تلفیق کرد و بیان داشت که فرزندی که از مادران فرانسوی متولد می‌شوند، مشروط بر اینکه در فرانسه متولد شده باشند، فرانسوی هستند. در قانون مدنی ایران، ماده ۹۷۶ که از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده، به اشخاص تبعه ایران می‌پردازد و با آوردن بندهای ۱ تا ۵ هیچ نامی از مادران ایرانی به میان نیاورده، این امر بدان معنی است که ایرانی بودن مادر نه تنها از نظر نسبی، بلکه از نظر خاک هم در تابعیت فرزند او تأثیری نخواهد داشت. بنابراین، در حقوق ایران مشکلات بسیاری برای فرزندی که از مادر ایرانی و پدر خارجی متولد شده‌اند و در ایران زندگی می‌کنند، وجود داشت در نتیجه قانونگذار در صدد رفع این

مشکلات برآمد و اقدام به تصویب ماده واحده دو تبصره قانون تعیین تکلیف تعیین تابعیت فرزندان مصوب ۱۳۸۵ حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی نمود. این ماده با اینکه به رفع برخی مشکلات کمک نمود، اما در عین حال جامع نبود. بنابراین، قانونگذار در آخرین اقدام خود در جهت رفع این مشکلات، در دوم مهر ۱۳۹۸، قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی را تصویب کرد. براساس این قانون، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی، قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی به درخواست مادر ایرانی و در صورت نداشتن مشکل امنیتی به تابعیت ایران درمی‌آیند. این کودکان نیز می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سالگی در صورت عدم درخواست توسط مادر ایرانی، خود درخواست تابعیت ایران را بدهند.

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ضوابط و آثار اعطا و تحمیل تابعیت مادر به فرزند در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه است. بنابراین، در اینجا سؤال اصلی این است که ضوابط اعطا و تحمیل تابعیت مادر به فرزند در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه چیست و چه آثاری را به دنبال دارد؟ و با چه چالش‌های قانونی روبه‌رو است؟

مفهوم تابعیت

در خصوص تابعیت حقوقدانان تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند که تقریباً می‌توان گفت شبیه و نزدیک به هم هستند و به نوعی در این خصوص اتفاق نظر وجود دارد. موضوع تابعیت، از موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی است و امروزه با توجه به گسترش مهاجرت‌ها و به تبع آن ازدواج با بیگانه و تولد فرزند دو تابعیتی، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

تابعیت رابطه‌ای سیاسی است که فردی یا چیزی را به دولتی مرتبط می‌سازد؛ به طوری که حقوق و تکالیف اصلی وی از همین رابطه ناشی می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶: ۱۳۵؛ امامی ۱۳۷۷: ۱۶۰). در تعریف مشابه دیگر آمده: تابعیت رابطه‌ای است که یک شخص و یا یک شیء را به دولتی متصل می‌کند (عامری، ۱۳۶۲: ۲۴). برخی دیگر آن را رابطه‌ای سیاسی، حقوقی و معنوی می‌دانند که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد (ارفع‌نیا، ۱۳۹۸: ۳۹).

بنابراین، می‌توان گفت که تابعیت یک رابطه سیاسی، بین‌المللی و حقوقی است که فرد را به یک دولت ارتباط می‌دهد و دارای آثار حقوقی مختلفی می‌باشد. حقوقدانان خارجی نیز تعاریف مشابهی ارائه داده‌اند. در این

تعاریف آمده تابعیت رابطه‌ای است که شخص و شهروندی را به کشوری متصل می‌کند (Oxford Dictionary of Law, 1997: 300). در تعریفی دیگر آمده: تابعیت رابطه حقوقی میان یک شهروند و دولت است (Bledsoe, 1986: 270). در تعاریف حقوقدانان خارجی عموماً دو کلمه تابعیت و شهروندی را در کنار یکدیگر به کار می‌برند. برای مثال در گذشته در حقوق انگلیس شهروندی در حقوق داخلی و تابعیت در حقوق خارجی به کار برده می‌شود، ولی امروزه به موجب قانون ۱۹۸۱ بین شهروند و تابعیت تفاوتی وجود ندارد (Carlose, 2002: 298).

مفهوم اعطا و تحمیل

اعطا در فرهنگ لغت فارسی به معنی عطا کردن، بخشیدن و بخشش کردن آمده است (فرهنگ عمید، ۱۳۸۹). تحمیل نیز برابر سربار کردن، بار کردن و واداشتن به کار رفته است. بنابراین، اعطا بخشیدن چیزی است به کسی، ولی تحمیل، واداشتن کسی است به چیزی یا کاری. در اعطای تابعیت، فرد به دلایلی یا موقعیتی درخواست تابعیت می‌کند و دولت قبول کننده تابعیت فرد را به وی اعطا می‌کند که معمولاً تابع شرایطی است که دولت آن را تعیین می‌نماید، اما در تحمیل تابعیت، اشخاص دخالتی در تعیین یا انتخاب آن ندارند (مگر در مواردی خاص) و به سبب شرایطی در بدو تولد، تابعیت کشور متبوع به شخص تحمیل می‌شود.

بنابراین، در اعطا و تحمیل تابعیت تفاوت وجود دارد. اعطای تابعیت، تابعیتی است که فرد آن را به دست می‌آورد و معمولاً توسط کشوری به وی اعطا می‌شود، ولی در تحمیل تابعیت، شخص دخالتی در کسب آن ندارد و از بدو تولد تابعیت وی مشخص است.

انواع تابعیت

تابعیت در مرحله اول بر دو نوع تابعیت براساس سیستم خون و تابعیت براساس سیستم خاک است و بر مبنای اینکه تابعیت از ابتدای تولد به شخص تحمیل شود یا آنکه خود شخص تقاضای کسب تابعیت بنماید، تابعیت را به تابعیت اصلی و تابعیت اکتسابی تقسیم کرده‌اند. تابعیت اصلی همان تابعیت بر مبنای سیستم خون و سیستم خاک می‌باشد و تابعیتی است که از ابتدای تولد و براساس قانون به شخص اعطا می‌شود.

سیستم خون به محلی که طفل متولد می‌شود، توجهی

ندارد؛ چرا که مطابق این اصل هر کجا که طفل متولد شود، قهراً تابعیت والدین بر طفل تحمیل می‌شود (حسنخانی، ۱۳۸۹: ۲۴) و سیستم خاک طریقی است که تابعیت اشخاص از روی محل تولدشان معین می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۸۶: ۹۵). بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، تابعیت بر مبنای سیستم خون را پذیرفته است. همچنین براساس بند سوم نیز: «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد»، تبعه ایران محسوب می‌شوند که این بند نیز بر سیستم خاک توجه دارد و شرط را تولد در ایران و از پدر و مادر نامعلوم قرار داده است. در این بند، سیستم خاک بر مبنای شروطی و به عبارتی مشروط پذیرفته شده است. همچنین است در بندهای ۴ و ۵ ماده فوق‌الذکر.

تابعیت اکتسابی نیز تابعیتی است که افراد پس از تولد آن را به دست می‌آورند و کسب می‌کنند. در تابعیت اکتسابی، گاهی این امکان وجود دارد که اراده شخص تأثیری در اکتساب تابعیت نداشته باشد.

ضوابط اعطای تابعیت مادر به فرزند

مسئله کسب تابعیت فرزند از طریق مادر (اعطا و یا تحمیل آن) یکی از موضوعات مهم در سیستم کشورهای مختلف است. به‌خصوص امروزه که سیل مهاجرت‌ها به شدت در کشورهای مختلف افزایش یافته و بسیاری زنانی که یا شوهر خارجی دارند و یا خود خارجی‌اند و شهروند کشوری که در آن زندگی می‌کنند و فرزند به دنیا آورده‌اند، نیستند. از طرف دیگر، با توجه به گسترش حمایت از حقوق زنان و حمایت از رفع تبعیض علیه آنان و تأکید بر برابری حقوق زن و مرد، این مهم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقررات حقوقی تابعیت در کشورهای مختلف، پدر همواره نقشی مطلق و انحصاری در انتقال تابعیت به فرزندان خود داشته و تابعیت از طریق پدر اصلی پذیرفتنی است، اما مسئله چالش‌برانگیز در اینجا اعطای تابعیت فرزند از طریق مادر می‌باشد که در دو مورد قابل بحث است: یکی زمانی که مادر با شوهری از کشوری دیگر ازدواج کرده و یکی زمانی که مادر خود از اتباع کشوری دیگر است.

به طور کلی در تمامی نظام‌های حقوقی بر اساس معیارهای مورد پذیرش در هر سیستم، یکی از روش‌های خاک یا خون با تلفیقی از هر دو اینها، در جهت تابعیت اطفال پیش‌بینی شده است و سیستم وحدت تابعیت و یا سیستم استقلال کامل یا استقلال نسبی را پذیرفته‌اند، اما در خصوص

برای اخذ این تابعیت مکفی است و همچنین اگر زن خارجی با مرد انگلیسی ازدواج نماید، تابعیت کشور انگلیس بر زن خارجی تحمیل نمی‌شود و زن همچنان بر تابعیت خود باقی است و برای دریافت تابعیت انگلیس باید تقاضای تابعیت این کشور را بنماید.

در خصوص زن انگلیسی که با مرد خارجی ازدواج کرده است، سیستم استقلال کامل تابعیت زن و شوهر جاری می‌باشد و در نتیجه ازدواج تأثیری بر تابعیت زوجین نمی‌گذارد (توسلی نائینی و پورمراد، ۱۳۹۶: ۲۳) و چنانچه طفلی متولد شود که یکی از پدر و مادر او تبعه انگلیس نباشد، قانون ویژه‌ای در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید و در سال ۲۰۰۶ نیز اصلاح شد، مقرر نموده که هر گاه یکی از والدین طفل، تبعه جامعه اروپا یا منطقه اقتصادی اروپا باشد و چنانچه قبل از اوایل ۲۰۰۶ در قلمرو انگلستان متولد گردد، وی می‌تواند تابعیت انگلستان را تحصیل کند. همچنین هر گاه طفلی از پدر انگلیسی که در خارج از انگلیس زندگی می‌کند متولد شود، ولی طفل ناشی از ازدواج نباشد، طفل چنانچه کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، می‌تواند تقاضای تابعیت انگلستان را نماید. همچنین طفلی که از والدین نامعلوم در انگلستان متولد شده باشد، تابعیت انگلستان را تحصیل خواهد کرد. قانون تصویبی ۲۰۰۰ مقررات ویژه‌ای در خصوص تابعیت به تصویب رساند و براساس آن تشریفات تابعیت الزامی شد و کسانی که متقاضی تابعیت انگلیس هستند، باید از حقوق شهروندی در این کشور اطلاع کامل داشته باشند (Patrick, 2006: 551).

در مورد تحصیل تابعیت فرزندی که نامشروع متولد شده باشد، نیز براساس قانون تابعیت انگلستان، در صورتی که مادر از تبعه انگلستان باشد، فرزند متولدشده نیز تبعه انگلستان محسوب خواهد بود. نبود موانع و محدودیت قوانین این کشور در تحصیل تابعیت فرزندان نامشروع باعث عدم مسئولیت-پذیری والدین شده است. از تشریح قانون فوق این‌گونه برداشت می‌شود که قوانین این کشور نه تنها این معضل را حل نکرده، بلکه خود باعث افزایش جمعیت این‌گونه اطفال شده که قربانیان این بحران کودکان هستند.

۲. حقوق فرانسه

کشور فرانسه یکی از اولین کشورهایی بود که مقررات ویژه‌ای را برای مهاجران به کشور وضع نمود و قوانینی در خصوص تابعیت این کشور به تصویب رساند. در کشور فرانسه نخستین بار مفهوم تابعیت در سال ۱۷۸۹ مطرح شد که همزمان با

اعطا و تحمیل تابعیت مادر به فرزند، کشورها در نظام حقوقی خود، مقررات متفاوتی را در پیش گرفته‌اند.

در این مقاله سعی شده به بررسی تحصیل تابعیت مادر به فرزند در حقوق انگلیس، فرانسه و ایران پرداخته و ضمن تشریح مسئله اعطای تابعیت، با دید منصفانه به جواب آن توجه کرده از منظر حق‌ها و آزادی‌ها مسئله اعطای تابعیت به فرزندان را بررسی نماییم.

۱. حقوق انگلیس

قوانین تابعیت در حقوق انگلستان، ریشه در قرون وسطی دارد. در این زمان و در طی سال‌های بعد قوانین متعددی در زمینه تابعیت به تصویب رسید. بر طبق قانونی که در سال ۱۹۶۴ به تصویب رسید، «فرزندان متولدشده در خارج از کشور انگلستان که پدر و مادر آنها انگلیسی باشد را انگلیسی قلمداد کرده است» (Dummet, 2006: 556).

بعد از آن قوانین دیگری نیز به تصویب رسید و هر کدام در خصوص تابعیت و حقوق شهروندی در انگلستان مقرراتی را وضع کرده و به تکمیل و تغییر قوانین قبلی پرداختند. به طور کلی قوانین تابعیت در انگلستان در سال‌های ۱۷۷۲، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵ و ۱۸۷۰ میلادی به صورت پراکنده به تصویب رسیده و تغییر کرده است. سپس بعد از جنگ جهانی دوم، قانون جدیدی در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید و پس از آن در پی رشد و افزایش مهاجرت‌ها به این کشور، طی سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۷ قانون تابعیت انگلستان تغییراتی پیدا کرد و در نهایت در سال ۱۹۸۱ قانون تابعیت در این کشور به طور کامل تصویب و تأیید شد (توسلی نائینی و پورمراد، ۱۳۹۶: ۲۱).

مهم‌ترین قانون در زمینه تابعیت در حقوق انگلیس قانون ۱۹۸۱ بود، مقررات ویژه‌ای را تصویب نمود و در قوانین تابعیت انگلستان تغییرات بنیادی و اساسی ایجاد کرد. «این قانون در بند ۱ ماده ۴۴، هر گونه تبعیض جنسیتی را مردود اعلام می‌کند و بر تساوی بین زن و مرد تأکید دارد» (Hart, 2006: 340). تا قبل از سال ۱۹۸۱ تابعیت انگلیس به‌عنوان یک قانون کلی تنها از طریق پدر به فرزند منتقل می‌شد و براساس آن زن بعد از ازدواج با مرد انگلیسی، تابعیت کشور انگلیس را به دست می‌آورد، اما از سال ۱۹۸۳ به بعد، قانون تابعیت در انگلستان بدین شکل شد که هر کودک متولد بریتانیا که پدر و مادرش شهروند بریتانیا بوده باشند یا اینکه شهروندی را اخذ کرده باشند نیز، شهروند همین کشور محسوب می‌شوند؛ در صورتی که هر کدام از پدر یا مادر این شرایط را داشته باشند

انقلاب فرانسه بود (Brubaker, R., 1992).

در فرانسه در ابتدا مهم‌ترین معیار در تابعیت، اصل خاک بود و اما پس از انقلاب فرانسه، به تدریج اصل خون نیز مورد توجه قرار گرفت و کسب تابعیت پس از مدتی زندگی در فرانسه نیز با احراز شرایطی امکان‌پذیر بود، اما در خصوص قانون‌گذاری در خصوص تابعیت در این کشور، تا پیش از تصویب قانون مدون و رسمی تابعیت مصوب ۱۸۸۹، قوانین پراکنده‌ای وجود داشته و برای مثال در قانون مدنی ۱۸۰۴ تعریفی در خصوص تابعیت بیان شده و از اتباع بیگانه و کسانی که خواستار تابعیت کشور فرانسه هستند، شرط اقامت ۱۰ ساله قبل از درخواست تابعیت، الزامی بود که قانون ۱۸۶۷ آن را به سه سال تقلیل داد.

باید گفت قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه بیش از دیگر قوانین فرانسه به اصل خون اختصاص داشت و اصل خاک در سال ۱۸۸۹ در قوانین فرانسه مطرح گردید (Gisti, 2013: 38). پس از آن طبق قانون جدیدی که در ۱۲ نوامبر ۱۹۳۸ تصویب شد، شهروندانی که خواستار تابعیت فرانسه بودند، به مدت پنج سال حق رأی نداشتند و نمی‌توانستند به سمت مناصب دولتی انتخاب شوند و تا زمانی که ویزا دریافت کنند، نمی‌توانستند با زن فرانسوی یا مرد فرانسوی ازدواج کنند (Ersbøll and al, Volume 2: 87).

همان‌طور که بیان شد، در فرانسه ابتدا تابعیت براساس اصل خون بود و تنها فرزندان می‌توانستند تابعیت فرانسه را داشته باشند که از پدر فرانسوی بودند و تابعیت پدر بر تابعیت مادر غلبه داشت. در قانون تابعیت ۱۹۴۵ نیز این برتری برای پدر شناخته شد و تابعیت مادر در تابعیت فرزند نقشی نداشت (ماده ۱ - ۱۷)، اما به تدریج و براساس رشد جامعه و نیاز به جذب افراد بیشتر این تفاوت از بین رفت، به نحوی که به موجب قانون ۱۹۷۳، طفل قانونی یا طبیعی که حداقل یکی از والدینش فرانسوی باشد، تبعه فرانسه محسوب می‌شود، مشروط بر آنکه در فرانسه به دنیا آمده باشد و در حالتی که تنها یکی از والدین فرانسوی باشد و طفل در خارج از فرانسه متولد شده باشد، با توجه به شکننده بودن رابطه چنین طفلی، با کشور فرانسه حق رد تابعیت از ۶ ماه قبل از رسیدن به سن قانونی تا ۱۲ ماه پس از آن پیش‌بینی شده است (ماده ۱۹). دستورالعمل مورخ ۱۲ ماه می ۲۰۰۰ نیز در همین رابطه تولد از والدین فرانسوی را از موارد اعطای تابعیت فرانسه برشمرده است (خمامی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

بنابراین، در حقوق فرانسه، در اعطای تابعیت مادر به فرزند، حقوقی مساوی با حقوق پدر در نظر گرفته و تابعیت مادر همانند تابعیت پدر دارای ارزش می‌باشد. از این‌رو، فرزندی که در فرانسه و از مادر فرانسوی به دنیا آمده و پدر او خارجی است، می‌تواند تابعیت فرانسوی داشته باشد، اما اگر محل تولد طفل در خارج از خاک فرانسه باشد، پدر خارجی باشد و مادر فرانسوی و پدر تا فرا رسیدن زمان اعمال حق انتخاب از سوی فرزند (حق رد تابعیت از ۶ ماه قبل از رسیدن به سن قانونی تا ۱۲ ماه پس از آن) به تابعیت فرانسه در نیاید، حق تابعیت برای فرزند شناخته شده است و فرزند می‌تواند تابعیت فرانسه را رد کند.

اعطای تحصیل تابعیت مادر به فرزند در حقوق فرانسه که هر دو سیستم را پذیرفته پس از ازدواج با مرد خارجی در صورت مخالفت کشور متبوع مرد، با تحصیل تابعیت مادر به فرزند و خروج طفل از تابعیت پدر تدابیری اتخاذ نشده است و تحصیل تابعیت به طفل را مشروط به خروج او از تابعیت پدر ندانسته است و قانون کشور فرانسه در این زمینه ساکت بوده و برای پیش‌گیری از این مشکلات راهکاری ارائه نداده است.

۳. حقوق ایران

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در خصوص جامعه ایران امروز، بحث بی‌تابیتی کودکانی است که یکی از پدر و یا مادر آنها ایرانی نیست. این مهم در گذشته کم‌اهمیت‌تر جلوه می‌کرد، اما امروزه به دلیل سیل مهاجرت‌ها و به‌خصوص مهاجرت‌هایی که در دهه‌های اخیر صورت گرفته و از کشورهای همسایه به‌خصوص افغانستان و عراق که به دلیل شرایط جنگی و سیاست درهای باز ایران به روی مستضعفان به ایران مهاجرت نموده‌اند، بیشتر اهمیت پیدا کرده است و بسیاری زنانی که با این بیگانگان ازدواج کرده و یا مردانی که از دختران آنها همسر اختیار نموده و صاحب فرزند شده‌اند.

در حقوق ایران از گذشته اصل بر تابعیت پدر بوده و به تابعیت مادر اهمیت داده نمی‌شده و به عبارتی اصل خون پذیرفته شده است و این موجب نابرابری و محرومیت کودکان در اعطای تابعیت از طریق مادر ایرانی می‌باشد. گواه این مدعا ماده ۹۷۶ قانون مدنی است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی به بیان افراد متبوع ایران پرداخته است و آنچه از این ماده قابل استنتاج است این است که اصل بر آن است که هر فرد ساکن ایران، ایرانی است مگر آنکه تابعیت خارجی وی مسلم شود یا مدارک

بنمایند، البته منوط به برخی شروط مانند نداشتن پیشینه کیفری و امنیتی. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا با وضع قانون ماده واحده جدید، فرزندان حاصل از مادر ایرانی حقوق جدیدی یافته است؟ یا اینکه ماده واحده جدید تأثیری در حل موضوع و مشکلات قبل نداشته است؟

در این ماده واحده، قانونگذار به تابعیت اکتسابی توجه نموده و بیان داشته که فرزندان پس از سن ۱۸ سالگی می‌توانند تابعیت ایران را کسب کنند. این قانون تا حدودی مشکل بی‌تابعیتی فرزندان حاصل از ازدواج مادر ایرانی با پدر خارجی را حل کرده و اعطای تابعیت از طریق مادر را نیز تا حدودی بیان کرده است و منوط به اعطای شرایطی مثل رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، نداشتن سوء پیشینه کیفری و امنیتی، احراز ولادت طفل در ایران و ... است. بنابراین، همان طور که مشاهده می‌شود، تولد طفل مشترک در ایران حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی مقررات و احکام و شرایط مختلف وجود دارد (فدوی، ۱۳۸۵: ۱۷۶).

با تصویب این ماده، اگرچه قانونگذار ایرانی بخشی از مشکلات موجود فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را مرتفع کرده است، اما مشکلات مرتفع نشده است و مهم‌ترین ایراد آن عدم تعیین تکلیف فرزندان زیر ۱۸ سال و به تبع آن مشکلاتی نظیر داشتن شناسنامه، رفات به مدرسه و ادامه تحصیل و ... است. از ظاهر متن ماده واحده و تبصره دو می‌توان دریافت که ایرانی بودن مادر، برای اعطا و تحصیل تابعیت ایرانی کافی نیست و قانونگذار تحقق شرایط فوق الاشعار را نیز برای کسب تابعیت لازم دانسته است.

به نظر می‌رسد در این مصوبه قانونگذار به این گونه اطفال به چشم خارجیانی نگاه می‌کند که می‌خواهند تابعیت ایران را تحصیل کنند، نه طفلی که در ایران به دنیا آمده و بر مبنای سیستم خاک با داشتن مادر ایرانی از ابتدای تولد تابعیت ایرانی دارد؛ زیرا با اشاره به ماده ۹۷۶ ق.م.دو شرط داشتن ۱۸ سال تمام و نداشتن سوء پیشینه کیفری را لازم دانسته و با چشم‌پوشی از شرط فراری نبودن از خدمت نظام وظیفه که ظاهراً در مورد این اشخاص مصداقی ندارد، تنها اجازه اقامت تا ۱۸ سالگی را به آنها داده است. به این ترتیب، گرچه عنوان شده بدون رعایت شرط سکونت، اما عملاً سابقه اقامت طولانی‌تری نسبت به بیگانگانی که چنین شرایطی را ندارند (یعنی نه مادر ایرانی داشته‌اند و نه در ایران به دنیا آمده‌اند)، از آنها می‌خواهد (به مدت ۱۸ سال)، در حالی که برای بیگانگانی که بخواهند طبق ماده ۹۷۶ قانون مدنی تابعیت ایران را

تابعیت او مورد اعتراض دولت ایران باشد، می‌توان ضابطه تعیین تابعیت در ایران را اقامت فرد در سرزمین ایران دانست (نصیری، ۱۴۰۰: ۶۲). بند دوم این ماده هر کس را که از پدر ایرانی متولد شود، با اعمال تابعیت اصلی نسبی، ایرانی محسوب می‌نماید و در این بین، تفاوتی میان اصلی یا اکتسابی بودن تابعیت پدر نمی‌باشد (سلجوقی، ۱۳۷۰: ۷۹)، لکن مقنن نسب مادر را مؤثر در مقام ندانسته است. همچنین تابعیت اصلی سرزمینی به افراد متولد از پدر و مادر مجهول در ایران، اعطا می‌شود و در این خصوص تنها به محل تولد طفل توجه می‌شود. شایان ذکر است در صورتی که نسب نامشروع طفل به اثبات برسد، تابعیت وی مورد تردید خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۵۹۰) بند ۴ همین ماده نیز، مقرر کرده است کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از ایشان متولد ایران است، متولد شوند، ایرانی هستند و این تابعیت نیز از مصادیق تابعیت اصلی سرزمینی است. همچنین فردی که در ایران از والدینی خارجی متولد می‌شود که هیچ یک متولد ایران نبوده‌اند، لکن خود فرد پس از رسیدن به ۱۸ سالگی یک سال به میل خود در ایران می‌ماند، در این صورت این فرد از تابعیت اصلی ایرانی بر مبنای سیستم خاک بهره‌مند می‌شود.

بند ۶ همین ماده درخصوص تحمیل تابعیت ایرانی بر اثر ازدواج به زن غیر ایرانی است و بند ۷ ماده ۹۷۶ نیز به موضوع تابعیت اکتسابی پرداخته است (نصیری، ۱۴۰۰: ۶۷).

بنابراین، وجود برخی ابهامات در قانون مدنی و وجود آرای مختلف در دادگاه‌ها و رویه‌های قضایی متفاوت، کثرت ازدواج زنان ایرانی با مردان اتباع بیگانه به‌خصوص مردان افغان و عراقی مهاجرت کرده به ایران، باعث شد قانونگذار در صدد برآید تا با تصویب قانون جدیدی تحت عنوان «قانون ماده واحده تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی»، مشکل مذکور را بر طرف سازد و به این فرزندان از طریق نسب مادری بتواند تابعیت ایران را اعطا نماید. در این ماده واحده آمده:

«فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تمام تقاضای تابعیت ایرانی نمایند».

این ماده در مورد فرزندان متولد شده حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی است. قانونگذار به طور خاص در این ماده، مشخص کرده فرزندی که در اثر ازدواج زنان ایرانی با مرد خارجی متولد می‌شوند، می‌توانند تقاضای تابعیت ایران را

تحصیل کنند، فقط ۵ سال سابقه اقامت را لازم دانسته که در مواردی طبق ماده ۹۸۰ ق.م.می‌توانند از این شرط معاف باشند. حال چرا باید تا این حد بین زن ایرانی و مرد ایرانی تفاوت گذاشته شود، روشن نیست (بیات، ۱۳۹۵: ۸۹).

در پی این مشکلات و تبعیض بین زن و مرد و اندیشه برابری حقوق مردان و زنان، قانونگذار ما طی اقدامات بعدی سعی در رفع ایرادات ماده واحده داشته و قوانین مختلفی به تصویب رساند، اما همچنان به رفع ایرادات کمک نکرد. تا اینکه قوانین اعطای تابعیت در سال ۱۳۹۸ با اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی وارد مرحله جدیدی شد. این قانون با حذف کردن شروطی که در قانون ۱۳۸۵ وجود داشت، از جمله شرط ازدواج قانونی (ماده ۱۰۶۰ ق.م) و آوردن لفظ ازدواج شرعی، تا حدودی اعطاء مشکلات تابعیت از طریق مادر را برطرف کرد. گستره دامنه این قانون فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند را شامل می‌شود که با شرط نداشتن مشکل امنیتی و با تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به درخواست مادر ایرانی، می‌توانند به تابعیت ایران درآیند.

باید گفت، تابعیت اعطایی قانون جدید برخلاف تابعیت فرزندان پدر ایرانی و فرزندان پدر و مادر خارجی، تابعیت اصلی خون یا خاک نیست و صرفاً تابعیت اکتسابی است که از لحاظ آثار حقوقی محرومیت‌های را نسبت به تابعیت اصلی، تحمیل می‌نماید. به نظر می‌رسد قانونگذار با توجه به آثار منفی و مشکلات آن، تلاش کرده از افزایش این نوع ازدواج‌ها جلوگیری کند؛ چرا که تنها قربانی این‌گونه ازدواج‌ها اطفال هستند.

«ایراد دیگر عدم توجه به ماده ۹۸۷ قانون مدنی در تحمیل تابعیت شوهر خارجی به زن ایرانی در صورت کسب مجوز وزارت کشور و صدور پروانه ازدواج است. در این صورت، حتی قانون ایران نیز این زن را بعد از ازدواج دیگر ایرانی نخواهد شناخت. بنابراین، مشخص نیست که آیا فرزند حاصل از ازدواج قانونی زن ایرانی با مرد خارجی می‌تواند از مزایای این ماده واحده بهره‌مند گردد؟ مورد دیگر عدم شفافیت و فقدان تعریف قانونی از مشکلات امنیتی و دامنه اختیارات بی حد و حصر نهادهای امنیتی است» (مهدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱). علاوه بر آن قید صرف ازدواج شرعی بدون هیچ‌گونه پیش

شرط قانونی، حیثیت، عزت و حقوق زنان ایرانی را خدشه‌دار کرده و موجب ورود خیل عظیمی از اتباع خارجی جهت کسب اقامت به ایران می‌گردد.

در سال‌های اخیر و با مطرح شدن لغو قانون فوق بر طبق ماده ۴۱ قانون سازمان ملی مهاجرت^۱ می‌تواند مشکلات ناشی از اعطای تابعیت از طریق مادر به فرزند را دو چندان کند. قانون مصوب سال ۱۳۹۸ اقدامی برای ایرانی‌شدن فرزندان مادر ایرانی بود و مشکلات ناشی از آن را تا حدودی حل می‌کرد، ولی با تصویب قانون سازمان ملی مهاجرت در سال ۱۴۰۱ مشکلات نه تنها حل، بلکه بر آنها افزوده می‌شود و امید است قانونگذار در حل مشکلات این قشر از جامعه گامی اساسی بردارد.

در قانون اصلاحی ۹۸ و یا قانون سازمان ملی مهاجرت ۱۴۰۱ به این مورد توجه نشده اگر فردی که زیر ۱۸ سال است، و پدر طفل به کشور متبوع خود رفته و آن را رها کند و مادر هم به دلایلی از جمله مشکلات اقتصادی و تأمین هزینه‌ها سرپرستی و تکالیفی که برای مادر در این زمینه ایجاد می‌کند، سرپرستی طفل را به صلاح ندانسته و آن را قبول نکند، قانونگذار مشخص نکرده که تکلیف طفل رها شده چگونه خواهد بود و چه چیزی در انتظار او خواهد بود و از چه حقوق و مزایایی برخوردارند. مادر می‌تواند طفل را به بهزیستی بسپارد و در صورت سپردن طفل از حقوق و مزایایی که یک طفل در حالت عادی دارد برخوردار است یا نه؟

سخت‌گیری در دادن تابعیت ممکن است منجر به افزایش افراد بی تابعیت شده و آثار منفی در جوامع بر جای بگذارد. از سوی دیگر، آسان گرفتن در دادن تابعیت هم باعث بروز مشکلات و معضلاتی خواهد شد. به نظر نگارنده بهترین حالت انتخاب بینابین و حد وسط است؛ یعنی با توجه به شرایط کودک و مادر به شخص تابعیت داده شود. البته قانونگذاران در تصویب قوانین باید به محیطی که کشور واقع شده توجه کنند. چرا کشوری مانند ایران در محیطی پرتنش واقع شده و در کشورهای همسایه و هم‌مرز همواره درگیر جنگ بوده و مأمنی برای گروه‌های تروریستی است که بعضاً از مرزها وارد خاک ایران می‌شوند و در برخی مواقع اعضای این گروه‌ها برای

۱. ماده فوق بیان می‌دارد: قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ از زمان لازم شدن این قانون به استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت نام کرده‌اند، لغو می‌گردد.

آثار اعطای تابعیت از طریق مادر به فرزند است که به شرح زیر هستند:

۱. برخورداری از سبج و شناسنامه

مهم‌ترین اثر تابعیت، برخورداری از سبج و شناسنامه است. شناسنامه اصل هویت هر شخص را مشخص می‌کند و شخص برای برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به شناسنامه نیاز دارد. فرزندان حاصل از این نوع ازدواج که شناسنامه و سبج آنها تعیین تکلیف نشده، از مهم‌ترین حقوق مثل حق تحصیل محروم هستند.

۲. برخورداری از هویت

یکی از آثار مهم اعطای تابعیت از طریق مادر به فرزند، بحث هویت این فرزندان است که به دلیل داشتن وابستگی به دو کشور مختلف، سرگردان شده‌اند و نه این هستند و نه آن (تکاوران، ۱۳۹۹: ۱۹۴). هویت به تابعیت وابسته است و در صورت نداشتن هویت، فرزندی که در اثر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی به دنیا می‌آید و تابعیتشان تعیین تکلیف نشده، هویت‌شان درگیر چالش‌های بسیاری است (همان: ۳۱). نداشتن هویت مشخص، فرد را از بسیاری حقوق شهروندی مثل حق تحصیل، حق بیمه، شغل و بسیاری حقوق دیگر محروم می‌کند.

۳. تابعیت مضاعف

ازدواج با اتباع بیگانه، چه در مورد زوجین و چه در مورد اولاد ناشی از ازدواج، ممکن است در مواردی منجر به تابعیت مضاعف شود. موارد مهم تابعیت مضاعف ناشی از ازدواج با اتباع بیگانه به شرح زیر است:

(الف) زن خارجی که با تبعه ایران ازدواج نماید، براساس بند ششم ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی محسوب می‌شود، در حالی که همین زن براساس قوانین داخلی کشور متبوع خویش، ممکن است قادر به حفظ تابعیت خارجی خود باشد.

(ب) اولاد متولد از ازدواج مرد ایرانی با زن خارجی به لحاظ تولد از پدر ایرانی، براساس بند دوم از ماده ۶۹۷ قانون مدنی، ایرانی تلقی می‌شوند و در عین حال ممکن است به جهت تولد در خاک کشور بیگانه که براساس سیستم خاک اعطای تابعیت می‌کند یا به جهت تولد از مادر خارجی، براساس قوانین کشور متبوع زن خارجی، تبعه کشور دیگری نیز به حساب آیند (زاهدی نژاد و رحمانی نژاد، ۱۳۹۸: ۶۷).

رسیدن به مقاصد خود با دختران ایرانی ازدواج می‌کنند که معمولاً این ازدواج‌ها از سر ناآگاهی و بی‌اطلاعی خانواده‌های ایرانی رخ داده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران بهتر است که در این مورد برای دادن تابعیت سیستم خاک با احتیاط عمل شود و همه جوانب در نظر گرفته شود.

آثار اعطا و تحمیل تابعیت مادر به فرزند

یکی از حقوق اساسی و مهم بشر حق تابعیت است که دولت‌ها مکلف به رعایت و حمایت از آن هستند و به قول برخی «بی تابعیتی از طریق سلب تابعیت یک فرد، نقض حقوق بشر است» (Masters and al, 2020: 356). می‌توان گفت موضوع تابعیت بیشتر یک رابطه سیاسی است و گرچه از نظر حقوق خصوصی، تساوی زن و مرد امری لازم است و امروزه طی کوانسیون‌های بین‌المللی مختلف و در قوانین کشورها مورد توجه قرار گرفته است، اما تعمیم این امر در مورد تابعیت همواره مورد بحث بوده است. به اعتقاد برخی وحدت تابعیت در قانون خانوادگی از یک فکر قانونی توسط دولت‌ها سرچشمه می‌گیرد و طرفین اراده‌ای در آن ندارند. بنابراین، قانونگذار که وحدت تابعیت افراد را تحمیل یا تسهیل می‌کند، وظیفه خود را که تحکیم اساس جامعه است، انجام می‌دهد و به هیچ وجه نظر تحقیقی بر یکی از طرفین ندارد (Niboyet, 1950: 3).

اعطا و تحمیل تابعیت مادر به فرزند، آثار متفاوتی دارد که مهم‌ترین اثر آن از بین رفتن تبعیض و برخورداری از حقوق شهروندی است. بر اثر تابعیت، شخص از کلیه حقوق شهروندی برخوردار می‌شود و مانند یک شهروند عادی زندگی از حق تحصیل و مدرسه و دیگر حقوق بهره‌مند می‌گردد؛ «زیرا شهروندی از طریق حقوق سیاسی، اجتماعی و آموزشی بازآفرینی می‌شود» (Tyler, 2010: 71). در قانون ۱۹۸۱ تابعیت انگلستان در بند ۱ ماده ۴۴ ضمن تأکید بر رعایت تساوی جنسی، هر گونه تبعیض نژادی و قومی و... را نیز مردود اعلام کرده است. در قانون فوق‌الذکر که تبعیض موجود از زنان رفع و امکان انتقال تابعیت زنان به فرزندان آنها فراهم شد. در ماده ۲ قانون فوق‌الذکر به صراحت به تساوی در تأثیر تابعیت والدین بر فرزند مقرر شده است. در فرانسه نیز از قانون ۱۹۷۳ میلادی به بعد، در اعطای تابعیت به فرزند بین پدر و مادر تفاوتی نیست و چنانچه به اعطای تابعیت از طریق مادر به فرزند صورت پذیرد، فرزند از حقوق شهروندی برخوردار است، اما در نظام حقوقی ایران با وجود تلاش‌های فراوان هنوز خلأهایی وجود دارد که قبلاً به آنها پرداخته شد. بحث در اینجا

۴. دیگر آثار

داشتن تابعیت آثار دیگر مثل برخورداری از حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌شود. داشتن تابعیت سبب می‌شود تا اتباع از کلیه حقوق شهروندی کشور متبوع، بهره‌مند گردند؛ به‌طوری‌که بیشتر دولت‌ها، فقط به اتباع خود اجازه اعمال حقوق کامل سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی را در محدوده مرزهای کشور می‌دهند و در اثر تابعیت از حق اشتغال، حق برخورداری از مناصب دولتی، حق ازدواج و دیگر حقوق بهره‌مند می‌شوند. در برخی نظام‌های حقوقی مانند ایران، فرزندی که از اعطای تابعیت آنها از طریق مادر است، از برخی حقوق مثل ریاست جمهوری، عضویت در مجلس اسلامی، انتصاب به برخی مشاغل مثل قضاوت، دریافت و تصدی پست‌های مهم امنیتی و اطلاعاتی و شغل‌هایی از این قبیل محروم هستند.

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اعطای تأیید در نظام حقوقی ایران بیشتر بر اساس سیستم خون بوده و سیستم خاک را در شرایط و طی شدن ضوابطی قبول کرده در نظام حقوقی انگلیس و فرانسه هر دو سیستم خاک و خون پذیرفته شده است. ایرادی که به سیستم حقوقی کشورهای مزبور گرفته می‌شود، این است که با مروری بر قوانین کشورهای فوق مشاهده می‌شود که قانونگذاران در زمینه مخالفت تابعیت طفل کشور متبوع مرد، که در آن سیستم خون حاکم بوده و تابعیت فقط از طریق مرد، داده می‌شود بحث نشده و قوانین آنها در خصوص خروج طفل از تابعیت پدر مبهم و ساکت بوده و به جای رفع مشکل، آن را دشوارتر کرده است. در نظام حقوقی ایران که قوانین آن از قانون تابعیت فرانسه اقتباس شده، اعطای تابعیت به فرزند از طریق پدر امکان‌پذیر است و اصل خون اصلی پذیرفتنی است و در خصوص اعطای تابعیت مادر به فرزند مشکلات و خلأهایی وجود دارد و با اینکه قانونگذار سعی کرده آنها را برطرف کند،

اما به نظر می‌رسد هنوز هم در این زمینه چالش‌هایی وجود دارد. به نظر اعطای تابعیت بیشتر انتخابی و اکتسابی است. در مقابل برخی از نظام‌ها مانند نظام حقوقی فرانسه و انگلستان نقشی مساوی در انتقال تابعیت برای پدر و مادر قائل هستند. حرکت در جهت تساوی جنسیتی مرتبط با انتقال تابعیت توسط همسران، یکی از تغییرات مهم در قوانین تابعیت این کشورها است. باید گفت اعطای تابعیت مادر به فرزند و نابرابری آن بین پدر و مادر ایرانی آثاری مثل سلب مزایای حقوق شهروندی و موانعی مثل تحصیل علم، استفاده از دیگر امکانات، بی‌شناسنامه بودن اطفال، محرومیت از درمان و مشکلات شغلی این فرزندان را در پی دارد.

در کل می‌توان گفت که قانون ایران، تابعیت اصلی برحسب سیستم خون را فقط از راه نسب پدری پذیرفته و نسب مادری را لحاظ نکرده، حال آنکه کشور انگلستان و فرانسه تابعیت والدین طفل در هنگام تولد را مالک تعیین طفل دانسته‌اند. در این صورت چنانچه در موقع تولد طفل اختلاف در تابعیت پدر و مادر باشد، طفل طبق سیستم خون، دارای دو تابعیت می‌شود. بنابراین، در قانون ایران اصلاح مقررات مزبور ضرورتی انکارناپذیر بر جهت همگام شدن با نیازهای جامعه ایرانی و بین‌المللی است.

در پایان برای رفع این قبیل مشکلات، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

با توجه به اینکه قانون ما از قانون تابعیت فرانسه اقتباس شده، بهتر است قانونگذار ما نیز همگام با تغییرات قوانین تابعیت در کشور فرانسه و هم‌سو با آن در قوانین تابعیت خود، تغییراتی اعمال نماید و اصل برابری حقوق زن و مرد، اصل خون و عدم تبعیض جنسیتی را بپذیرد. همچنین در اصلاحی ماده واحده برخی موارد قبلی نیز وجود دارد که اصلاح نشده، مانند عدم مشخص نمودن مشکلات امنیتی، بهتر است قانونگذار تعاریف و مصادیقی از این مشکلات ارائه کند و دایره شمول آنها را مشخص نماید.

References

- Ameri, Houshang. (1983). *Private International Law*. Second Edition. Tehran: Agah Publications. (In Persian)
Arfa Nia, Behshid. (2016). *Private International Law: Citizenship,*

- Residence, Status of Foreigners*. Behtab Publications. (In Persian)
Bayat, Zahra. (2016). *Investigation of the legal status of Afghan nationals in Iran and determination of the duties of their*

- Iranian spouses and children*. Master's thesis, Safa Dasht Islamic Azad University. (In Persian)
- Bledsoe and Boczel. (1986). *The International Law Dictionary*. London.
- Brubaker, R. (1992). *Citizenship and nationhood in France and Germany*. Press Harvard UP Press.
- Carlose Closa. (2002). *EU Citizenship at the 1996 IGC, in Randall Hansen and Patrick Weil*. Dual Nationality. Social Rights and Federal Citizenship in the U.S and Europe, First Published.
- Emami, Seyyed Hassan. (1998). *Civil Law*. Volume 4. Bahar Islamic Library Publications. (In Persian)
- Ersbøll Eva, Kees Groenendijk and Harald Waldrauch. (No date). *Acquisition and Loss of Nationality Policies and Trends in 15 European States*, Volume 2: Country Analyses, edited by Rainer Bauböck.
- Fadavi, Soleyman. (2006). "Criticism of the Single Article Law on Determining the Citizenship of Children Resulting from Marriages of Iranian Women with Foreign Men". *Approved in 2006, Monthly Magazine of the Association of Registrars and Assistant Registrars*, No. 67. (In Persian)
- Gisti (dir) (2013). *Le guide de la nationalité française Nouvelle édition*. Paris: Edition la découverte.
- Hassankhani, Razieh. (2010). *Investigating the dimensions of the blood principle in granting citizenship with a comparative study in the legal systems of Iran, England and France*. Master's thesis, Bu Ali Sina University. (In Persian)
- Jafari Langroodi, Mohammad Jafar. (2016). *Legal Terminology*, Tehran Ganj Danesh. (In Persian)
- Katouzian, Naser. (2011). *Civil Law in the Current Legal System*. Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Khomamizadeh, Farhad. (2006). "Comparative Study of Principal Subordination in Iranian and French Law". *Journal of Legal Research*, No. 44. (In Persian)
- Martin. (1997). *Oxford Dictionary of Law*. New York: Oxford University Press.,
- Masters Mercedes and Salvador Santino F. (2020). "Regilme Jr. Human Rights and British Citizenship: The Case of Shamima Begum as Citizen to Homo Sacer". *Journal of Human Rights Practice*.
- Mehdipour, Seyedeh Fatemeh; Sobhani, Mahin and Maghsoudi Pashaki, Reza. (2021). "Critique and study of the conditions and effects of the law determining the nationality of children resulting from the marriage of Iranian women with foreign men, approved in 2020". *Aser Scientific Journal of Comparative Law Studies*, issue 23, summer. (In Persian)
- Mostafa, Scholar. (2007). *Islam and Private International Law (Nationality and Status of Foreigners)*, Hawza and University Research Center. (In Persian)
- Nasiri, Mohammad. (2021). *Private International Law, Generalities, Citizenship, Residence*. Tehran: Agah Publications. (In Persian)
- Niboyet, J. P. (1950). *Traite de droit international prive francaise*. Paris.
- Patrick, Weil. (2006). *Access to Citizenship: A Caparison of twenty five Nationality Laws*. Amsterdam: University Press
- Seljughi, Mahmoud. (1991). *Private International Law*. Second Edition, Tehran: Justice Publications. (In Persian)
- Takavaran, Qamar. (2019). *Iranian mother in the struggle for legal identity for children of Iranian mother and foreign father*. Tehran: Andisheh

- Ehsan. (In Persian)
Tavassoli Naeini, Manuchehr and Pourmorad, Roya. (2017). "The principle of unity of nationality of spouses in Iranian, British law and international conventions". *Quarterly Journal of Private Law Research*, No. 20. (In Persian)
- Tyler, Imogen. (2010). *Designed to fail. A biopolitics of British citizenship*. Citizenship Studies
Zahedinejad, Mehdi and Rahmanijeda, Masoumeh. (2019). *Study of Dual Citizenship and Renunciation of Citizenship in Iranian Law*. Tehran: Amjad Publishing House. (In Persian)

